

(پایه دهم)

@arabicbiglari

@mbd30

۰۹۳۸۰۰۱۱۳۸۵

مجید بیگلی

مقدمات

قواعد درس اول

عربی دهم

آشنایی با برخی از اصطلاحات:

- ۱- علم صرف: علمی است که تغییرات و ساختمان کلمه را در بیرون جمله مورد بررسی قرار می دهد. (تحلیل صرفی)
- ۲- علم نحو: علمی است که به بررسی کلمه و مشخص کردن نقش آن در جمله می پردازد. (اعراب)
- ۳- الفبای زبان عربی: الفبای عربی از ۲۸ حرف تشکیل شده است که شامل:

ء-ب-ت-ث-ج-ح-خ-د-ذ-ر-ز-س-ش-ص-ض-ط-ظ-ع-غ-ف-ق-ک-ل-م-ن-و-ه-ی

- ۴- حرف شمسی و حرف قمری: هرگاه «ال» بر سر اسمی در آید اول آن اسم ممکن است با حروف شمسی شروع شود یا با حروف قمری که اگر با حروف شمسی شروع گردد (لام) در «الف ولام» تلفظ نمی شود اما اگر اول اسم با حروف قمری شروع گردد (لام) در «الف ولام» تلفظ می شود. در الفبای عربی ۱۴ حرف شمسی و ۱۴ حرف قمری هستند:

حرف شمسی: «ت-ث-د-ذ-ر-ز-س-ش-ص-ض-ط-ظ-ل-ن»

حرف قمری: «ء-ب-ج-ح-خ-ع-غ-ف-ق-ک-م-و-ه-ی»

مثال: الرَّجُلُ : خوانده می شود ← أَرَجُلٌ : المؤمنُ : خوانده می شود ← أَلْمُؤْمِنِ

- ۵- حرکات: حرکات که عامل تلفظ حروف هستند شامل:

ضمه (۱) فتحه (۲) کسره (۳)

که ضد حرکت سکون یا ساکن می باشد که در کلمات معرب (جزم) نامیده می شود و علامت اصلی آن ْ است.

مثل (إِذْهَبْ - لَا تَأْكُلْ)

- ۶- تنوین: نون (ن) ساکنی است که در آخر بعضی از کلمات به خصوص اسمهای نکره و اسمهای خاص (مذکر) آورده می شود:

(۱) تنوین رفع ُ (۲) تنوین نصب ِ (۳) تنوین جر ٍ

- ۷- میزان و معیار کلمات: در زبان عربی برای هر کلمه ی وزن خاصی منظور کردند که معیار و میزان وزنی کلمات سه حرف

(ف-ع-ل) می باشد. در فعل به «ف» فاء الفعل و به «ع» عین الفعل و به «ل» لام الفعل گفته می شود.

مَنْظُور: بر وزن مفعول

كِتَاب: بر وزن فعال

أَسَد: بر وزن فَعَل

نکته ۸: کلمه بر سه قسم تقسیم می شود (اسم - فعل - حرف)

- ۱- اسم: کلمه ای است که برای نامیدن انسان، حیوان و اشیاء به کار می رود. الحسین - الأسد - الساعة
- ۲- فعل: کلمه ای است که برانجام کاری یا پدید آمدن حالتی در زمان گذشته، حال یا آینده دلالت دارد. كَتَبَ - يَكْتُبُ - سوف يَكْتُبُ
- ۳- حرف: کلمه ای که به تنهایی معنایی ندارد. فی - هَل



نکته ۱۴: علامت‌های رِبْرُ اسم :

یکی از حالات اسم است که دو تا از دلایل مجرور شدن اسم شامل :

۴- مجرور شدن

۱- مجرور به حرف جرّ حروف (ب، ل، ک، فی، من، عن، إلى، علی ...) + اسم یا ضمیر = سلامٌ علی محمدٌ

۱- مجرور به حرف جرّ

کتابٌ محمدٌ

۲- مضافٌ إليه

۵- هر کلمه ای که آخر آن «ة - ة» داشته باشد:

مدرسة - فاطمة - مجاهدة

۶- هر کلمه ای که آخر آن «اء» داشته باشد:

زهراء - صحراء - سماء - بناء - فناء - بقاء

۷- هر کلمه ای بعد از «یا» نداء بیاید:

یا تلهیدُ - یا قابل التوبة

۸- هر کلمه سه حرفی ساکن الوسط:

هُودٌ - لُوطٌ - شَيْثٌ - هِنْدٌ - وَرْدٌ - بَرْدٌ - كَشْفٌ - قَتْلٌ

۹- تمامی ضمایر : هو - هما - هم و...

۱۰- اسم های اشاره : هذا - هذه - ذلك - تلك و...

۱۱- اسم های موصول : الّذی - الّتی - الّذین و ...

۱۲- اسم های استفهام : کیف - متی - من - ما و...



نکته ۱۵: علامت های شناخته فعل:

- ۱- ت = ذَهَبْتُ
- ۲- ضمیر مرفوعی ت: ذَهَبْتَ - تِ: ذَهَبْتِ - تٌ: ذَهَبْتُ
- ۳- مجزوم شدن: لَا تَكْتُبُ - لَمْ يَنْجِحْ
- ۴- حروف (قَدْ ، سَوْفَ ، لَنْ ، لَمْ ، لَمَّا و...): قَدْ ذَهَبَ

قبل از ورود به قلمرو فعل باید با ضمایر و انواع آن ها آشنا شویم:

نکته ۱۶: ضمیر کلمه ایست که بجای اسم می آید و از تکرار آن جلوگیری می کند.

تعداد	مذکر	ترجمه	مؤنث	ترجمه			ترجمه
غائب	مفرد	هو	او	هی	او	متکلم	وحده أنا من
	مثنی	هما	آن ها (آندو)	هما	آن ها (آندو)		
	جمع	هم	آن ها	هُنَّ	آن ها		
مخاطب	مفرد	أنتَ	تو	أنتِ	تو	مع الغیر نحن ما	
	مثنی	أنتما	شما	أنتما	شما		
	جمع	أنتم	شما	أنتم	شما		

علاوه بر ضمایر فوق ، ضمایر دیگری هم در عربی وجود دارند که در آینده نزدیک به آن ها خواهیم پرداخت.

معادل سازی ضمایر فارسی با عربی

<p>به دلیل وجود مؤنث و مثنی در عربی تعداد ضمایر و افعال عربی به ۱۴ عدد می رسد.</p>	من	أنا
	تو	أنتَ - أنتِ
	او	هو - هی
	ما	نحن
	شما	أنتما - أنتم - أنتن
	ایشان	هُما - هُما - هُم - هُنَّ

فعل

۱- تقسیم فعل از لحاظ زمان و صیغه:

نکته ۱۷: فعل کلمه ای است که بر انجام کار یاپدید آمدن حالتی در یکی از زمان های گذشته ، حال یا آینده دلالت دارد.

نکته ۱۸: فعل ماضی فعلی است که بر انجام کار یاپدید آمدن حالتی در زمان گذشته دلالت دارد.

نکته ۱۹: حرکت آخر در اولین صیغه ماضی غالباً فتحه است: كَتَبَ، ذَهَبَ، دَخَلَ

صرف یک نمونه فعل ماضی « ذَهَبَ »

صیغه	جنس	مفرد	مثنی	جمع
غائب	مذکر	ذَهَبَ	ذَهَبَا	ذَهَبُوا
	مؤنث	ذَهَبَتْ	ذَهَبَتَا	ذَهَبْنَ
مخاطب	مذکر	ذَهَبْتَ	ذَهَبْتُمَا	ذَهَبْتُمْ
	مؤنث	ذَهَبْتِ	ذَهَبْتُمَا	ذَهَبْتُنَّ
متکلم	وحده:	ذَهَبْتُ	مع الغیر: ذَهَبْنَا	

صیغه ها

نکته ۲۰: صیغه ها در واقع انواع حالت های افعال در زبان عربی بر اساس تعداد انجام دهندگان ، جنس ، حضور یا عدم حضور آن هاست . در زبان عربی برای هر فعلی ۱۴ صیغه (حالت) وجود دارد که بدین ترتیب نام گذاری می شوند.

نکته ۲۱: اسم صیغه در زبان عربی چگونه خوانده می شود ؟

مفرد مذکر مخاطب = لِلْمُخَاطَبِ	مفرد مذکر غائب = لِلْغَائِبِ
مثنی مذکر مخاطب = لِلْمُخَاطَبَيْنِ	مثنی مذکر غائب = لِلْغَائِبَيْنِ
جمع مذکر مخاطب = لِلْمُخَاطَبِينَ	جمع مذکر غائب = لِلْغَائِبِينَ
مفرد مؤنث مخاطب = لِلْمُخَاطَبَةِ	مفرد مؤنث غائب = لِلْغَائِبَةِ
مثنی مؤنث مخاطب = لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	مثنی مؤنث غائب = لِلْغَائِبَتَيْنِ
جمع مؤنث مخاطب = لِلْمُخَاطَبَاتِ	جمع مؤنث غائب = لِلْغَائِبَاتِ
متکلم مع الغیر: لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	متکلم وحده: لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ

نکته ۱۵: فعل مضارع فعلی است که بر انجام کار یا روی دادن حالتی در زمان حال دلالت دارد.



نکته ۱۶: فعل مضارع همچون ماضی از ۱۴ صیغه [۶ غائب - ۶ مخاطب - ۲ متکلم] تشکیل شده است .
اگر ما علامت را اولین صیغه ی فعل ماضی در نظر بگیریم ضمائر و حروفی که به ۱۴ صیغه ی ماضی متصل می شوند به صورت ذیل می باشد:

		مفرد	مثنی	جمع
فاعل	مذکر	یـ (بدون حرف و ضمیر)	یـ + ا + ن (با ضمیر)	یـ + و + ن (با ضمیر و حرف)
	مؤنث	تـ + (بدون حرف و ضمیر)	تـ + ا + ن (با ضمیر و حرف)	تـ + ن (با ضمیر)
مخاطب	مذکر	تـ + (بدون حرف و ضمیر)	تـ + ا + ن (با ضمیر و حرف)	تـ + و + ن (با ضمیر و حرف)
	مؤنث	تـ + ی + ن (با ضمیر و حرف)	تـ + ا + ن (با ضمیر و حرف)	تـ + ن (با ضمیر)
متکلم		الوحده : ا (بدون حرف و ضمیر)	مع الغیر : ن (بدون حرف و ضمیر)	

نکته ۱۷: آخر فعل مضارع در حالت کلی به دو علامت ختم می شود:
۱- یذهبُ
۲- ن
ضمیر : ۶ و ۱۲ : یذهبُ - تذهبُ
علامت اعراب : بقیه صیغه ها : یذهبون

■ ■ دقت داشته باشیم که در ۱۴ صیغه فعل مضارع صیغه های (۴ و ۷) و صیغه های (۵ و ۸ و ۱۱) از لحاظ شکل ظاهری شبیه هم هستند ولی ما با قرائن و کلمات موجود در جمله می توانیم صیغه مورد نظر را تشخیص دهیم .

أنت تذهبُ : تو (یک مرد) می روی (با أنت می توانیم صیغه فعل را تشخیص دهیم که در اینجا مخاطب است .)

نکته ۱۸: فعل مستقبل فعلی است که به آینده دلالت دارد .

طریقه ساخت : (س ، سوف) + فعل مضارع :

س + یذهبُ (می رود) : سیدذهبُ (خواهد رفت) سوف + یذهبُ : سوف یذهبُ (خواهد رفت)

نکته ۱۹: فعل امر فعلی است که بر انجام کاری دستور می دهد .

فعل امر از ۱۴ صیغه فعل مضارع ساخته می شود.

نکته ۲۰: نحوه ساخت فعل امر از صیغه های مخاطب: (امر حاضر)

۱- مجزوم نمودن فعل مضارع (یعنی فعلهایی که به ختم می شوند ساکن و نون های اعراب حذف می شوند)

۲- حذف حرف مضارع

۳- اگر بعد از حرف مضارع با ساکن مواجه شدیم (همزه) به اول آن می افزاییم و برای مشخص کردن حرکت همزه اگر بعد از ساکن

(الف) فتحه یا کسره باشد به همزه کسره می دهیم . تَجَلِسُ ← اجلسُ

(ب) ضمه باشد به همزه ضمه می دهیم . تَعْبُدُونَ ← اعبدوا

نکته ۲۱: فعل نهی فعلی است که به انجام ندادن کاری دستور می دهد.



نکته ۲۲: طریقه ساخت فعل نهی:

۱- افزودن لا نهی به اول فعل مضارع ۲- مجزوم نمودن فعل مضارع:
 تَأْكُلُ (می خوری) <<<<<<<< لا تَأْكُلُ (نخور) يَذْهَبُ (می رود) <<<<<<<< لا يَذْهَبُ (نباید برود)

نکته ۲۳: اگر به اول فعل مضارع (لا) اضافه شود و آخر آن تغییر نکند مضارع منفی ترجمه می شود:

لا يَذْهَبُ: نمی رود لا تَذْهَبُ: نمی روی لا أَذْهَبُ: نمی روم لا يَذْهَبَانِ: نمی روند

نکته ۲۴: فعل نفی فعلی است که به عدم انجام کار یا حالتی دلالت دارد.

شیوه های ساخت فعل نفی در زمان های مختلف

۱- ماضی: ما + فعل ماضی

ذَهَبَ: رفت ما ذَهَبَ: نرفت

۲- مضارع: لا + فعل مضارع

يَذْهَبُ: می رود لا يَذْهَبُ: نمی رود

ما + فعل مضارع

﴿ وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ﴾ نجم: ۳

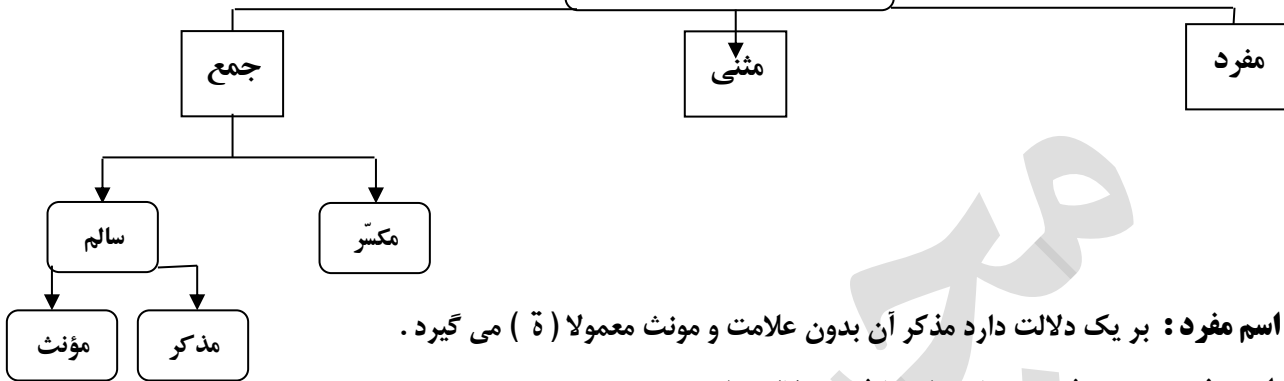
۳- مستقبل: لن + فعل مضارع

سَيَذْهَبُ: خواهد رفت لَنْ يَذْهَبَ: نخواهد رفت



اسم

تقسیم اسم از لحاظ تعداد



نکته ۲۵: اسم مفرد: بر یک دلالت دارد مذکر آن بدون علامت و مؤنث معمولاً (ة) می گیرد.

نکته ۲۶: اسم مثنی: بر دو شخص یا حیوان یا شیء دلالت دارد.

نحوه ساخت اسم مثنی:

مفرد کلمه + (ان): الطالب: دانش آموز ← الطالبان: دو دانش آموز

(ین): الطالب: دانش آموز ← الطالبین: دو دانش آموز

◀ (ان) در اسم باید زائد بوده و دلالت بر مثنی کند وگرنه هر کلمه ای که آخر آن (ان) داشته باشد اسم مثنی نیست:

لقمان - عطشان - شیطان - نسیان - دوران - جریان - سلطان - یذهبان مثنی نیستند.

نکته ۲۷: جمع: بر بیش از دو شخص یا حیوان یا شیء دلالت دارد که خود به دون نوع سالم و مکسر تقسیم می شود.

نکته ۲۸: جمع سالم: که با افزودن علامتی خاص به آخر مفرد ساخته و به محض حذف آن علامت مفردش باقی می ماند.

برای مذکر:

مفرد کلمه + (ون): الطالب: دانش آموز ← الطالبون: چند دانش آموز

(ین): الطالب: چند دانش آموز ← الطالبین

◀ نکته ۲۹: (ون - ین) در اسم باید زائد بوده و دلالت بر جمع کند وگرنه هر کلمه ای که آخر آن (ون - ین) داشته باشد جمع مذکر نیست:

محزون - مغبون - مجنون - مفتون - مضمون - مجانین - شیطاین - سلاطین - تذهبون - تذهبین جمع مذکر نیستند.

برای مؤنث:

مفرد کلمه + ات = مسلمة: مسلمات طالبة: طالبات

نحوه ساخت جمع مؤنث سالم:



◀ نکته ۳۰: أموات - أصوات - أوقات - أقوات - أبيات - بنات - نبات با وجود اینکه آخرشان به (ات) ختم می شود جمع مؤنث محسوب نمی شوند.

نکته ۳۱: جمع مکسر: ساخت آن قاعده مند نیست و نمی توان برای آن قانونی خاص در نظر گرفت.
کتاب: کُتِبَ رَجُلٌ: رَجَالٌ باب: أَبْوَابٌ

نکته ۳۲: اسم اشاره: برای اشاره کردن بکار می رود.

دور	متوسط	نزدیک	مکانی		اسم اشاره
هناك	-	هنا	مفرد	مذکر	
ذَلِكَ	ذَاكَ	هَذَا	مثنی		
-	-	هَذَا (هَذَيْنِ)	جمع	مؤنث	غیر مکانی
أُولَئِكَ	-	هَؤُلَاءِ	مفرد		
تِلْكَ	-	هَذِهِ	مثنی	جمع	
-	-	هَاتَانِ (هَاتَيْنِ)	مثنی		
أُولَئِكَ	-	هَؤُلَاءِ	جمع		



نکته ۳۳: ترجمه اسم اشاره

هذا الطالبُ ناجحٌ: این دانش آموز، موفق است.

هذا طالبٌ: این دانش آموز است.

هذانِ الطالبانِ ناجحان: این دانش آموزان، موفق هستند.

هذانِ طالبان: این دو، دانش آموز هستند.

هؤلاءِ الطلابُ ناجحون: این دانش آموزان، موفق هستند.

هؤلاءِ طلابٌ: این ها، دانش آموز هستند.

نکته ۳۴: کلمات استفهامی (پرسشی): برای پرسش بکار می روند که تعدادی از آن ها حرف و تعدادی هم اسم هستند.

حرف: أ، هل: أ هذا كتابُ آیا این کتاب است؟ هل أنت معلمٌ آیا تو معلمی؟

اسم: ما (چه چیزی، چه چیزهایی) - مَنْ (چه کسی، چه کسانی) - لِمَنْ (برای چه کسی، برای چه کسانی) - أين (کجا) - كيف (چگونه)

اگر چیزی را با تمام وجود می خواهید، در راه بدست آوردنش تسلیم نشوید.

شاید صبر کردن دشوار باشد اما یقیناً حسرت خوردن از آن هم بدتر است...



۱- کم إسماً فی هذه العبارة؟ «وَلَكِنَّه رَأَى دُلْفِيناً كَبِيراً يَقْفِرُ قُرْبَهُ فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ»

(۱) أربعة (۲) خمسة (۳) ستة (۴) سبعة

۲- عین الصَّحیح فی عددِ الإسم:

۱- وَبَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ : ۳
 ۲- رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةٍ : ۴
 ۳- ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ : ۳
 ۴- إِنَّ الْبَحْرَ وَالْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ : ۵

۳- عین الخَطَأُ فی صیغِ الأفعال :

(۱) أخواتی لا یذهبنَ إلى المسجدِ هذه الليلة.
 (۲) هاتانِ الطالبتانِ خَرَجتا مِنَ الصَّفِّ .
 (۳) ذَهَبَ طَلَّابٌ مدرستی إلى تلكِ المدرسة.
 (۴) إِنَّكُما سیدهبانِ إلى الجامعةِ .

۴- عین الخَطَأُ للفراغ : « حسب توصية أمير المؤمنين (ع) جعلت العفو عن العدو شكراً للقدرة عليه»

(۱) أنتِ (۲) هي (۳) هما (۴) أنتَ

۵- عین ما یَشتمِلُ علی فعلِ التَّهَيُّ و الأمرِ بالترتيب:

(۱) قال الله لِأَدَمَ وَ حَوَاءَ (لاتقربا هذه الشَّجَرَةَ)
 (۲) لماذا لا یَدْرُسُ أولئكَ الطُّلابُ؟ لأنَّهم تَرَکوا الدَّرْسَ و المدرسةَ
 (۳) تَبَحَثُ الطالباتُ عن طریقٍ سهلٍ لهذا الأمرِ فاعملی بأحسنِ طريقةٍ
 (۴) لا تَنْظُرُوا إلى كثرةِ صلاتهم ولكن انظروا إلى صدقِ الحديثِ .

۶- عین عبارة یختلف عدد أفعالها الماضية عن الباقی:

(۱) مَنْ عرف نفسه فقد عرف ربَّه!
 (۲) وَأَنْظُرْ إلى المرءِ و قُلْ مَنْ شَقَّ فِيهِ بَصْرُهُ!

(۳) فاعلم أَنَّهُ من زرعِ العدوانِ حَصَدَ الخسران!
 (۴) لماذا ما سافرت مع صديقك إلى تلكِ القريةِ و ما شاهدتَ مناظرها!

۷- عین الخَطَأُ فی صیغِ الأفعال :

(۱) هؤلاء الطالباتُ لا تَحفظونَ الأشعارَ جیداً!
 (۲) المعلمانَ نَظَروا إلى الأوراقِ بدقَّةٍ!
 (۳) یَسْمَعُ المؤمنونَ صوتَ القرآنِ کُلَّ صباحٍ!
 (۴) تلكَ الطُّفْلَةُ سَقَطَتْ علی الأرضِ!

سراسری زبان -۹۲

۸- « كنت أعرف منطقة مخضرة و غنية بالجمال فی أقصى نقطة الشمال الشرقي من مدينتنا أفضی فیها بعض الأيام مع الأسرة»: .

(۱) نقطه ای سبز و زیبا در دورترین مکان شمال شرقی شهر می شناختم که سرشار از زیبایی بود و با خانواده چند روز تمام آنجا بودم!
 (۲) جای زیبا و سبز و باطراوتی را بلد بودم که در شمال شرقی شهرمان قرار داشت و یک روز تمام را با خانواده در آنجا سپری کردم!
 (۳) منطقه ای سرسبز و سرشار از زیبایی در دورترین نقطه شمال شرقی شهرمان می شناختم که بعضی روزها را با خانواده در آنجا می گذراندم!
 (۴) منطقه ای سرسبز و غنی و پر از زیبایی وجود داشت که در نقطه ای دور دست از شمال شرقی شهرمان بود و چند روز را با خانواده خود در آن می گذراندم!

سراسری زبان -۹۵





- ۹- «فی العاشرة من عمری ، يوماً كنت أبکی لآتئی أمشی بدون حذاء، و لکنئی توقفت عن البكاء عندما رأیت شخصاً لیست له رجل!»
- (۱) در ده سالگی از عمرم، روزی گریه می کردم زیرا بدون کفش راه می افتم، اما از گریه کردن باز ایستادم هنگامی که شخصی را دیدم که پا نداشت!
- (۲) در ده سالگی، روزی می گریستم بخاطر اینکه بدون کفشهایم حرکت می کردم، اما از گریه دست برداشتم زمانی که کسی را بدون پا دیدم!
- (۳) روزی در سن ده سالگی گریه کردم ، چه من بدون کفش حرکت می کردم ، ولیکن از گریه باز ایستادم وقتی شخصی بدون پا را دیدم!
- (۴) روزی در ده سالگی ام اشک می ریختم ، بدلیل نداشتن کفش ، ولی جلوی گریستن خود را گرفتم وقتی کسی را دیدم که پا نداشت!

انسانی عمومی - ۹۷

۱۰- «گمان نمی کردم که تو با وجود مشکلات بسیار ، در کسب علم کوشا باشی!» **عین الصَّحیح :**

- (۱) لا أظنُّ أنَّک تكون مجتهداً فی الاکتساب العلم رغم المشکل الكثير!
- (۲) ما کنا نظنُّ أنَّک تكون ساعياً رغم المشکل الكثير فی اکتساب العلم!
- (۳) ما كنتُ أظنُّ أنَّک رغم المشاکل الكثيرة ، تكون ساعياً فی اکتساب العلم!
- (۴) لا أظنُّ أنَّک رغم المشاکل العديدة أن تكون نشیطاً فی اکتساب العلم الكثير!

بیگلری

